

دیباجه

اگر مطلق اندیشه را راهی به اعماق بدانیم - که هست - تعاطی اندیشه‌ها و افکار را باید راهی به فراسو بدانیم که در زبان اهل تأله از «غیب» شروع می‌شود و به مراتب دیگر تسری می‌یابد و در نهایت به «غیب الغیوب» می‌رسد. واقع این است که اندیشه، در ذات و ساختار خود، علاوه بر این که نشانی آشکار از اعماق دارد، در دلالت خود نیز پیوسته در جستجوی اعماق است و گاهی نیز اعماق اعماق.

نخستین چیزی که کاوش در اعماق را می‌توان بدان نسبت داد، بی‌تردید گوهر اندیشه است. جستجو در سرچشمه‌ها و بازیافت آغازها، از اصلی‌ترین شئون اندیشه به شمار می‌رود. از این‌رو، اندیشه‌ای را نمی‌توان یافت که فرو رفتن به اکناف و اعماق، جایگاهی خاص در آن نداشته باشد. اما باید توجه داشت که نیروی ناطقه، به همین حد - و اصولاً به هیچ حدی - بسندگی نشان نمی‌دهد. ذات اندیشه سیال و فرار است. در تشبیهی ساده می‌توان از واژه «جهش» استفاده کرد. شاید نتوان هیچ موضوع دیگری را به لحاظ متّصف بودن به جهش، به اندیشه تشبیه نمود. همین خصیصه موجب شده است که اهل تفکر، بی‌قرارترین قرارمند و ناثبات‌ترین ثابت را به حق اندیشه بدانند و چگونه چنین نباشد در حالی که اندیشه مادر هر فکر، هر دریافت، هر کشف، هر توفیق و هر نوع واقعیت و حقیقت مادی و معنوی بشری است.

در حقیقت، هویت انسانی در طول سده‌هایی که پشت سر نهاده است، بیش از هر چیز با متن مرکزی اندیشه گره خورده است. آگاهی و دانایی که دو قائمه زندگی آگاهانه و هشیارانه در نزد همه اقوام و ملل به شمار می‌رود، تنها دو مقوله از مقولات دریای ناپیدا کران اندیشه است. در باب اندیشه، سخن از الف قامت یار شروع می‌شود و تا دیرپاترین حقیقت‌های روانی و وجودی انسان در دو حوزه دیروز و امروز امتداد پیدا می‌کند و فردا نیز به احتمال زیاد حالتی بیرون از اندیشه و اندیشه‌ورزی نخواهد داشت.

از این‌روست که کسی را نمی‌توان یافت که در این بخش از هویت اندیشه تشکیک کند. ما در این خصوص بیش از این سخن نمی‌گوییم. چیزی که در این دیباجه در خور اشاره است، نکته‌ای دیگر است و آن، ترکیب اندیشه‌ها و مایه‌وری اندیشه‌ها در پناه بحث و گفتگوست. در عبارتی کوتاه گفته می‌شود: حقیقت، زاده بحث است (الحقیقة بنت البحث). کسانی که به چنین دیدگاهی باور دارند، به خوبی می‌دانند که بحث - آن‌گونه که باید - نیرویی است که شعله اندیشه را تشدید می‌کند و تشدید اندیشه کافی است تا تاریکی‌های ابهام و جهل زدوده شود.

این سخن نه لاف و گزاف، که حقیقتی متعین است که هیچ چیزی به اندازه بحث و گفتگو، روشنگر مسائل گوناگون نبوده است. شاید اگر انسان‌ها تن به بحث و گفتگو نمی‌دادند، زندگی در عدم مفاهمه و دست‌کم سوء تفاهم‌های مختلف، محصور و منحصر می‌شد و راه برای هر نوع اتفاق نظری که نخستین لازمه زندگی در حوزه فرد و اجتماع است، زایل می‌شد. بدین روی، به این حقیقت عظمی باید اعتراف‌های چندگانه و مکرر آورد که بحث و گفتگو با مراتب خود، از نخستین گام‌های انسانی برای راه یافتن به عالم شناخت بوده است. این صفت گفتگو، در درازنای زمان ماهیت خود را هم‌چنان حفظ کرده است. در روزگار نو که زمانه فرا رفتن چارچوب‌های شناخت و معرفت از ساختارهای عادی و سنتی به حوزه‌های مدرن است، گفتگو و بحث، هم‌چنان از راه‌های یگانه انسان به متاع حقیقت است.

دلیل موضوع روشن است: در بحث و گفتگو، تنها یک ذهن عهده‌دار موضوع نیست، بلکه دو ذهن، هر یک با رویکردی و هر یک با پیش فرض‌ها و داشته‌هایی و هر کدام با شیوه‌ای، در برابر هم می‌ایستند و با پای سخن و گفتار کلمه، از قلّه فکر بالا می‌روند. این سخن تفصیلی دارد که باید در جای دیگر بدان پرداخت.

در نیمه دوم قرن بیستم، در فرهنگ ایران، دو تن از عالمان دینی، هر کدام از جایگاهی و هر کدام به گونه‌ای، پیشگام بحث‌ها و گفتگوهای دینی بوده‌اند: علامه سید محمد حسین طباطبایی و علامه محمدتقی جعفری. گفتگوهای علامه طباطبایی با دانشورانی از نوع پروفیسور هانری کربن از موارث فکری فلسفی ایران در چند دهه متوالی زمانه یاد شده به شمار می‌رود. درست در همان زمان، علامه جعفری نیز به گونه‌ای دیگر در همین مسیر راه می‌پیمود، با این تفاوت که مباحث و گفتگوهای او با اهل اندیشه و نظر، طیف و دامنه وسیع‌تری داشت و زمینه‌های متنوع‌تری را شامل می‌شد.

زمانی که در اوایل دهه ۷۰ شمسی مجموعه این بحث‌ها و گفتگوها منتشر می‌شد، کسی فکر نمی‌کرد که این شعله به خاموشی نگراییده باشد. بدین ترتیب، استاد جعفری با انتشار گفتگوهایی که در حوزه‌های الهیات، فلسفه، تاریخ، ادبیات و فرهنگ میان او و دانشورانی جهانی روی داده بود، برگی دیگر بر کارنامه گفتمان دینی افزود که بی‌تردید در ذیل نام او با عنوان تلاشی دیگر از ناحیه او در جهت روشنگری‌های عقیدتی باقی خواهد ماند.

با انتشار مجدد کتاب «تکاپوی اندیشه‌ها» که در بسامان شدن خود، وامدار تلاش‌ها و درنگ‌ها و تأمل‌های دوستانی چند است، از آقایان: جناب علی رافعی، شهرام تقی‌زاده انصاری، محسن صحراپیان و سرکار خانم نرگس سادات بوتراپی سپاس‌گزاری ویژه به عمل می‌آوریم. امید می‌بریم که اهل تحقیق از زوایا و خبایای این بحث‌ها، به فراسوی راه ببرند که در اعماق هر یک از گفتگوها نهفته است.

انکار نمی‌توان کرد که در تعاطی افکار، پیوسته راهی به فراسو گشوده شده که پی بردن بدان، از اهمیت زیادی برخوردار است.

در پایان، قابل ذکر است که بیش‌تر این مصاحبه‌ها و گفتگوها، در کتابخانه شخصی استاد جعفری صورت گرفته و تعدادی هم در کشورهای سوئیس، یونان و ... در محل‌های مختلف انجام شده است.

آنچه اکنون ملاحظه می‌فرمایید، تنها بخشی از مصاحبه‌ها و گفتگوهای شخصیت‌های خارجی است که به عنوان نمونه قسمت‌هایی از کتاب «تکاپوی اندیشه‌ها» برای رؤیت مطالعه‌کنندگان گرامی در سایت گنجانده شده است.

الحمد لله اولاً و آخراً

موسسه پژوهش و نشر علامه جعفری

شهریور ۱۳۸۹